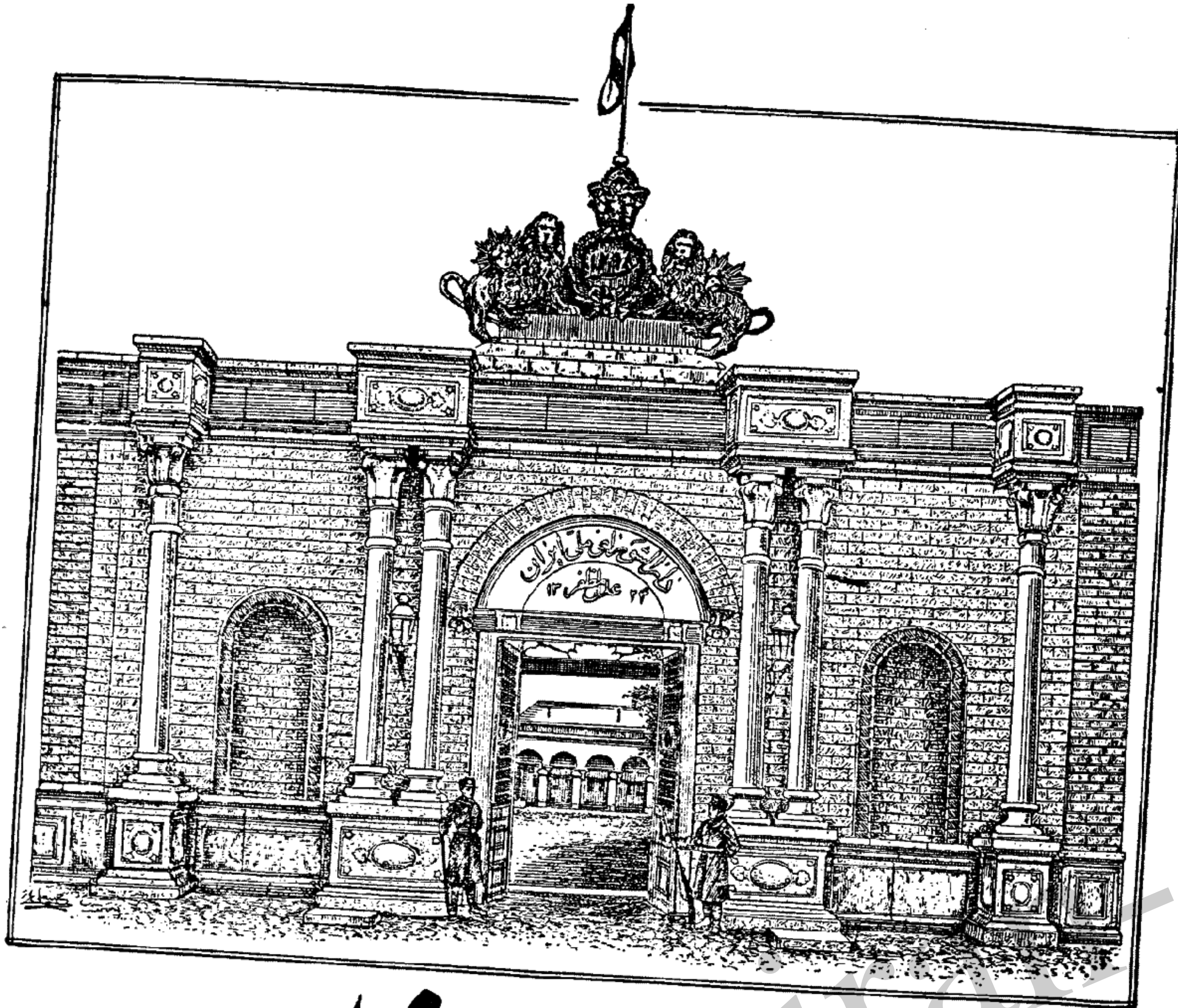


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۶</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۴ ربیع الاول ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود یس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجیه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه نوزدهم شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۴ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۱

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهراب خان - دکتر سنک - عراقی - امام
جمعه شیراز - خطیبی - افشار - سیداراهیم ضیاء - آقا
علی زارع - مهدوی - عباس میرزا - فرمند - احتشامزاده

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر
بریاست آقا پیرنیا تشکیل گردید.)
(صورت مجلس پنجشنبه شانزدهم شهریور
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بخر کیسیون بودجه راجع به اعتبار اضافی بلدیہ اصفهان و تصویب آن	۲۱۷۹	۲۱۹۶
۲	مذاکره نسبت بخر کیسیون بودجه راجع به ده هزار تومان اعتبار برای مخارج احصائیه و توزیع تذکره و راهمائی ایران در عراق عرب و تصویب آن	۲۱۹۶	۲۲۰۱
۳	قانون اجازه پرداخت سی و سه هزار تومان اضافی به بلدیہ اصفهان در ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶	۲۲۰۲	
۴	قانون اعتبار ده هزار تومان مخارج احصائیه و توزیع تذکره و راهمائی تابع ایران مقیم عراق عرب	۲۲۰۲	

کنج بخش - وزیري - طباطبائی - وکیل - ثقة الاسلامی اسکندری - محمد ولي میرزا - عدل - جوانشیر - میرزا - ابراهیم اشتیان - حاج شیخ عبدالرحمن - ابواللهمزاده اصفهانی غائبین ب. اجازه جلسه قبل

آقایان: محمد ولی خان اسدی - علی خان اعظمی نظام مافی - حشمتی - حاج حسن آقا ملک - زعیم فرشی - حاج آقا رضا رفیع - اعتبار - روحی - میرممتاز - یاسائی قوام شیرازی - افسر - آقا زاده سبزواری - سید حسین آقایان - حاج میرزا مرضی - میرزا عبدالحسین - حاج غلامحسین ملک - امیر اسدالله خان عامری - حاج آقا حسین زنجانی - مولوی

دیر آمده کان ب. اجازه جلسه قبل

آقایان: اسفندیاری - شریعت زاده - بهار - میرزا - حسن خان ونوق

رئیس - آقای معتضد استرابادی

معتضد استرابادی - بنده بزور در ضمن عریاض خودم عرض کردم که يك ملیون خرج امثال آقای مصدق السلطنه شده و از مجلس که خارج شدم بعضی از آقایان فرمودند که لفظ امثال نداشت در صورتیکه مقصود بنده امثال آقای مصدق السلطنه بود استدعا دارم بفرمائید اصلاح شود

رئیس - چون خود قضیه نوشته نشده کله امثال را هم نمیشود ضمیمه کرد.

صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - چند فقره پیشنهاد در جلسه گذشته راجع به دستور امروز رسیده بود و چون وقت گذشته بود قرائت نشد حالا قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقایان حاج میرزا حبیب الله امین و جلالی

شده. مثلاً کردند چهار هزار تومان پیدا کرد چون نواقش آن طور بوده و شیراز ماهی هزار تومان ندارد بنا بر این اگر بنا است نسبت به شهرها از حیث نظیف و بلديه و صحیه رعایای بشود باید نسبت به تمام شهرهای ایران متساویا باشد چه خصوصیت پیدا کرده. چون آقای فاطمی وزیر داخله بوده اند این لایحه را.....

جلالی - اصفهان وکیل دارد چه مربوط به آقای فاطمی است.

رئیس - اگر مخالف هستید وقتی مطلب مطرح میشود بفرمائید.

بامداد - بنده نسبت به مطرح شدنش هم مخالفم مگر اینکه همه بالسویه شود.

رئیس - اگر با مطرح شدنش مخالفید و دلایلی در این زمینه دارید بفرمائید.

بامداد - عرض کنم همانطور که آقای دادگر هم فرمودند ما امور جاریه فوری زیاد داریم. از حیث امور اقتصادی که لایحه اش آمده است ولی مدقون شده است در صورتیکه از بهترین لوايح است آرا مقدم بر تمام دستورها باید مطرح کرد و البته در يك موقعیکه مجلس کارش کمتر شد امثال لایحه بلديه اصفهان را بیاورند مطرح کنند و هر طور هم مجلس رای داد البته مطاع است. در همین پیشنهاد هائی که شد بعضی لوايح هست که مهم تر از لایحه بلديه اصفهان است. این است که بنده با مطرح شدن و اصل این لایحه مخالفم.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم نماینده محترم در بدو فرمایشاتشان راجع به مزایای اصفهان بقدری فرمودند که لازم نیست دیگر بنده تکرار کنم ولی شهری را که اینهمه مزایای تاریخی برایش نقل کردند بنده بهشان اطلاع میدهم که

پنججاه يك بودجه بلديه طهران بودجه ندارد. یعنی شهر تاریخی اصفهان در ماه هزار و پانصد تومان بودجه بلديه اش میباشد. چرا اینطور شده؟ این نه تنها راجع به آن ماده قانون است که به اصفهان انقدر کم داده اند. مالیه در آن موقع در اظلم بزرگ نسبت به اصفهان کرده است. یکی اینکه قریب چهل و دو هزار تومان عایدی سالیانه نواقل اصفهان بوده مالیه اصفهان نه هزار تومان بابت مخارج بلديه می داده است بقیه را صرف وصول عایدات غیر مستقیم اصفهان میکرده است یعنی تمام خرج وصول عایدات غیر مستقیم اصفهان را پای نواقل محسوب میکرده و نه هزار تومان الی ده هزار تومان بیشتر به بلديه آنجا نمیداده است. بعد که يك ماده قانونی وضع شده که عایدی بلديه را بصافه نصف مخارجی که میشده است به بلديه بدهند در سال شده است هیجده هزار تومان که در ماه هزار و پانصد تومان میشود و این مبلغ به بلديه اصفهان رسیده است در صورتیکه اگر همان عایدی نواقل اصفهان را بخودشان میدادند اصفهان محتاج نبود باینکه استرحاماً از آقای بامداد کمک بخواهد. يك ظلم دیگر این است که اصفهان يك عواید شهری داشته است از قبیل مالیات ذغال میوه و امثال اینها اداره مالیه آمده است اینها را جز و متن عایدات مملکتی ضبط کرده و میکوبند راجع بشهر نیست.....

رئیس - راجع باصل موضوع بفرمائید راجع به مطرح شدن بفرمائید.

شیروانی - بی چشم اطاعت می کنم. بنا بر این مجبور شدم در هفت ماه هشت ماه پیش از این تمام نمایندگان اصفهان بوزارت مالیه رفته و با دکتر میلسپو مذاکره کنیم خدا شاهد است این قضیه هیچوجه ارتباط مستقیمی با آقای فاطمی نداشته و نباید ایشان هم مثل یک نفر وکیل راجع باین کار اقدام می کردند. بنا بر این بنده استرحاماً از آقای بامداد و سایر رفقا استدعا می کنم

برای اینکه در دور پنجم هم یک همچو استرحامی کردم و مجلس شورایی ملی کمک کرد راجع به امتیاز چراغ برق اصفهان آلان هم اگر این عایدی اضافه باصفهان داده نشود یک بدبختی که هستی خودش را صرف کارخانه چراغ برق کرده از بین خواهد رفت. آقایان راجع باین امر کمک فرمایند. راجع بسایر ولایات هم اضافه عایداتی هست که در موقع مطرح شدن بنده توضیح میدهم که آن اضافه عایدات باید بنام ولایات داده شود.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقایان. آقایانیکه موافقت فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده واحده خوانده میشود.
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده -- بوزارت مالیه اجازه داده میشود بابت اضافه عایدات مالیات راه در ۱۳۰۵ و سنوات بعد سهمی بلديه ها مبلغ سی و شش هزار تومان علاوه بر مبلغی که بموجب قانون مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ بلديه اصفهانی تعلق میگیرد بلديه مزبور بپردازد. این وجه برای مصرف تسطیح و ساختمان خیابان ها و کوچه ها و تعمیرات پلهای داخلی و تنویر شهر اصفهان تخصیص خواهد یافت.

تبصره -- اگر مبالغ مذکوره فوق کافی برای پرداخت این مبلغ نباشد تفاوت از کل عایدات راه تأدیه خواهد شد.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- بنده خیلی متأسفم که این لایحه تماس دارد بانظریات يك عده از دوستان خصوصاً بنده لکن حفظ اصول را بردوستان خودم ترجیح میدهم و بهمین ملاحظه بر خودم لازم دانستم که برای ادای وظیفه اینجا آمده و عقیده خودم را اظهار کنم. راستی باید تشخیص داد که اگر وضعیات مملکت ما را ببرند پیش

عریض بنده را آنطور که باید باور کنید. و با آمده در میناب چرا؟ بواسطه کثافت و نداشتن بلديه و وسائل صحیه و بواسطه اینکه از جمیع جهات مرکز اورا از حقوق بشري محروم کرده است. کشتارشان به روزی صد نفر هم رسیده است نا جائی که مرده هاشان را کسی نبود بردارد متوسل شده اند به نظمی که شما بیایید کمک کنید مرده های ما را بردارید البته اینها هم برای حفظ جان موافقت نمیکردند. آنجا يك جائی است مال التجاره دارد، صادرات دارد. هفتاد هزار نفر نفوس دارد سالی تقریباً صد و پنجاه هزار تومان خدمت مستقیم به مملکت می کند يك بلديه ندارد اما بیائیم بطور اختصاص از روی چه میزان است؟ از روی چه قانون است؟ مستند به چه چیز است؟ که از بودجه عمومی مملکت اختصاص بدهیم باصفهان؟ اصفهان نور چشم من است ولی نسبت به میناب بهشت عنبر سرشت است. آنجا مردم مشرف به مرگ هستند اگر شما اختصاصاً میخواهید رعایت کنید نظر بنده از دید به دروازه و معبرخانه نان آنجا هیچ ندارد. شما باور کنید که هیچ ندارد. نه مأمور خوب آنجا میرود. نه دولت توجهی میکند که مأمور به آنجا نفرستد. نه تعمیراتی نه چیزی. مثل اینکه جزو این مملکت نیست. در هر صورت بنده عرض میکنم این ترتیب با هیچ قانونی وفق نمیدهد. این مالیات عمومی مملکت است بطور اختصاص ما نمیتوانیم باصفهان بدهیم این سابقه را نگذارید. فردا بنده هم می آیم يك لایحه می آورم که آبهای شهر بار را خشک کنید مالاربا میاورد مردم میزند، میکروپ دارد، روز دیگر هم راجع بطرف دیگر مملکت يك پیشنهاد میشود و این طرز مملکت داری نیست. يك قدری رجوع کنید به بینید. دولت چطور حکم میکند بلديه شیراز که برطبق قانون انتخاب شده بود منحل شود! از آنطرف این قسم لواج بیاید والله بنده متحیرم کجایش را بگیرم و چه بگویم. مثلاً اداره

ارزاق طهران. این اداره ارزاق با آکلبین ارزاق مردم یکسفته می بینیم که توی روزنامه نوشته دویت و پنجاه هزار تومان تخفیف داده اند. نازه يك صدائی بلند شده. قبیل از این هم پانصد هزار تومان تخفیف داده اند. خدا بدوشان را بیامرزد، مگر مائعی داشتند مگر کسی این چند سال از آنها پرسید این همه تعدی و ظلم و ستم و غارت و چپاول برای که میکنید. برای چه میکنید؟ شما چه کاره هستید؟ حساب به کی میدهید؟ باز هم خدا بدوشان را بیامرزد که تا این حد قانونی هستند که فقط دویت و پنجاه هزار تومان تخفیف میدهند. باید شکر کرد. و الا اگر حساب در کار باشد باید رعایت فقر و احتیاج مرده بشود اقلاً يك من دو عباسی سه عباسی ده شاهی از قیمت نان نزل کند این است وضعیت ما.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) بنده خیلی متشکر هستم از نماینده محترم که از موقع استفاده فرموده و راجع به خرابی اغلب ولایات مملکت از حیث بلديه و خصوصاً بنادر جنوب اظهاراتی فرمودند و تشکر میکنم بنده خودم بنادر جنوب را بخصوص دیده ام شاید بعضی از آقایان ملاحظه فرموده باشند ولی آنچه را که آقای کازرونی فرمودند بنده اش را شخصاً دیده ام. بنادر عباس و میناب و لنگه را دیدم. بوشهر که مرکز آنها است دیدم و همان طوری که فرمودند آن طور که باید توجه به بلديه های سرحدی بشود نشده است و این را هم خود آقای کازرونی باید تصدیق فرمایند که یکی از اشخاصی که در این مجلس نسبت به تمام مسائل مربوطه به بنادر جنوب و سواحل خلیج اظهار علاقه کرده و بیش از شهر اصفهان حرف زده و چیز نوشته است بنده بوده ام و بنده همیشه راجع بمسائل سیاسی سیاست داخلی و خارجی آنجا با خود آقای کازرونی مشورت می کردم و همیشه در مسائل مربوطه به بنادر جنوب چه در روزنامه و چه در مجلس گفته و نوشته ام ولی در عین حال ارتباط

باین ندارد که ما راجع به یکی از شهر های مهم مملکت بخواهیم اقدام کنیم و از طرف يك نفر وکیل خدای نخواستہ مخالفت بشود. بنده البته تصدیق میکنم که مخالفت راجع باین موضوع نبوده تذکر نسبت به تمام نقاط مملکت بوده ولی در عین حال این مسئله دور پیدا میکند برای اینکه يك روزی هم که راجع بهوشهر يك لایحه بیاید اگر بنده برخیزم و يك مسائلی بگویم لایحه راجع بهوشهر هم نخواهد گذشت برای اینکه بالاخره یکی یکی یا جمعیتی وقتی بگویند چرا لایحه راجع به بلدیہ ها نمیآید دیگران میگویند چرا راجع بنظمیه ها نیامده است و این دور پیدا میکند. و اما آن نکته که راجع به بلدیہ ها و آثار مشروطیت فرمودند که مهمترین نکته است و باید در این مجلس تعقیب شود و مخصوصاً آقای عمادی هم يك پیشنهادی در این زمینه کرده اند. بنده معتقدم که این ماده واحده را گذرانده بعد وارد آن قانون بشویم و شور دوم آن قانون را که تمام کنیم تمام مقاصد آقای کازرونی و بنده و تمام آقایان نمایندگان راجع به بلدیہ ها تأمین خواهد شد و بالاخره بنده با ایشان کاملاً موافق هستم که بلدیہ مهمترین اثر مشروطیت و حکومت ملی است و متأسفانه در مملکت ما آثاری از آن نیست و عدم پیشرفت بلدیہ ها و امور مربوطه به تنظیف و تنویر و آبادی شهر ها تنها بواسطه فقدان انجمن های بلدی است و اگر ما سعی کنیم قانون انجمنهای بلدی را بگذرانیم خیلی از این نواقص مرتفع خواهد شد. شور اول آنها شده شور دومش را هم همین امروز کمک میفرمائید که زودتر شروع کنیم که در تمام مملکت بلدیہ های قانونی داشته باشیم. اما اینکه فرمودند چه شده که از تمام مملکت صرف نظر شده و یکمرتبه رعایت حال اصفهان شده. بنده در موقعیکه برای مطرح شدن لایحه توضیح میدادم عرض کردم که باصفهان از نقطه نظر مالیاتهای گذشته و حساب که در ماده دوم یا سوم قانون مالیات راه ها شده دو ظلم شده یکی اینکه عایدی نواقص شهر

را مالیه می برده و به بلدیہ نمیداده و وقتی هم که خرج بلدی را ماخذ گرفته اند سهم اصفهان کم شده. یکی هم اینکه مالیات شهری اصفهان که قریب شصت هزار تومان بوده مالیه آنرا در متن مالیات مملکت آورده بطوریکه نادر سال قبل از این کلانتر آنها را میگرفته و آقایانیکه در اصفهان تشریف داشته اند میدانند که صرف شهر میکرده این ظلم را هم کرده. و ظلم دومی که الان میشود. آقای کازرونی خودشان تاجرند و اطلاع تجارتنی دارند میدانند این مالیات فعلی که خرج راه میشود قسمت اعظمش را شهر های جنوبی مخصوصاً اصفهان میدهد. یکی از مهمترین مالیاتهای که میگیرند امروز مالیات بزرگ است و آقای کازرونی هم خودشان میدانند که این مالیات منحصر از شهر اصفهان گرفته میشود برای اینکه از سایر شهرهای دیگر هم میآید به اصفهان مرکزت پیدا میکنند و در آنجا نیاری میشود. ما يك روزی با آقای امین التجار حساب کردیم الان از این دو میلیون سه میلیون که گرفته میشود هشتاد هزار تومان آنرا اصفهان میدهد آنوقت هیجده هزار تومان در سال خرج این شهر تاریخی میشود که اگر بخواهند کرد عمارات تاریخی آنجا را پاک کنند هیجده هزار تومان بیشتر خرج میشود وضعیت شهر اصفهان را دیده اید. کمتر از شهر طهران نیست. اینجا در ماه شصت هزار تومان خرج بلدیہ اش میشود. آنجا ماهی هزار و پانصد تومان. این شرم آور است جلو خارجه و داخله. ملاحظه بفرمائید. شهر اصفهان را امسال که رفتم از حیث صنایع و یولی که درشهر اصفهان از خارج وارد میشود دیدم اصفهان الان سالی دو میلیون پول از خارجه وارد این مملکت میکند. در داخله شهر منحصراً هشت هزار دستگاہ قالی موجود است. اصفهان سالی يك میلیون پول برنج کاری و نقره کاری و قلمکار از خارجه وارد ایران میکند چرا باید دولت اینطور بی اعتنائی کند نسبت باین شهر؟ آرزوی بنده این است بنده که وکیل

اصفهان هستم یا حاج امین یا سابرین حرف بزنیم آقای کازرونی بیایند اینجا پشت تریبون و برای شهر اصفهان این قبیل پیشنهادات را بکنند و بنده هم برای بوشهر. اصفهان و بوشهر و شمال و جنوب ندارد. تمام این مملکت مال شما ها است. اصفهان هم مال شما است. آقای بامداد در نگارشات و کتابهاشان که نوشته اند شاید بیشتر از بنده چیز نوشته اند یا حرف زده اند شهر اصفهان جائی نیست که بنده تنها بخواهم حمایت از آنجا بکنم. جمعیت شهر اصفهان يك شهر است بر جمعیتی بالاخره باید وسایل زندگانشان را فراهم بکنند شهر اصفهان هنوز يك دکتر حساب ندارد. هنوز این شهر يك صحیبه حسابی ندارد. آقای کازرونی خودشان یکی از مدافعین لایحه چراغ برق بودند که در دوره پنجم گذرانندیم اهالی فقیر اقتصادی اصفهان هنوز اینقدرها قادر نیستند که يك کار خانه چراغ برق را بتوانند بچرخانند که در ماه متجاوز از هزار و دویست تومان بودجه دارد. اینرا اهالی اصفهان باین زودی حاضر نیستند که بودجه اش را تأمین کنند. شهر معظم اصفهان هم بالاخره روشنائی لازم دارد الان این شهر باین عظمت چهار صد تا چراغ موشی روشن کرده اند تنه ها بهم میخورند و نمیشود از کوچه های تنگ و تاریک آنجا عبور کرد و اگر این لایحه را تصویب فرمائید باصفهان دو کمک فرموده اید یکی کمک بیک کار خانه جدید التاسیس که از محل بلدیہ اقل آن یولی که الان کار خانه خرج چراغ میکند بآن کار خانه داده میشود ضرر نمیکند یکی هم بشهر اصفهان کمک کرده اید که يك شهر تاریخی را روشن کرده اید.

عرض کنم اینکه فرمودند از مالیات عمومی مملکت بر داشته میشود و صرف اصفهان میشود اولاً اصفهان هم يك شهر عمومی مملکت است و شهر خصوصی مملکت نیست اصفهان هم يك شهری است که متعلق به آقای کازرونی و تمام آقایان است و بنده حقیقه یقین داشتم

که وقتی آقای کازرونی تشریف آوردند پشت تریبون اینجا مدافعه میکنند و لاقلاً از نقطه نظر شهر اصفهان هم اگر نبود از نقطه نظر لطف و مرحمتی که نسبت بشخص بنده داشتند دفاع میفرمایند حالا هم با تمام این قضیه با فرض اینکه تمام فرمایشات آقای کازرونی صحیح است بنده همانطور که در دوره پنجم يك استدعای شخصی کردم از تمام آقایان همکار های محترمه خود و پذیرفتند این دوره هم راجع باصفهان این استدعا میکنم و حاضر تمام این دوره تا آخر وقت خودم را صرف تمام خدمات محلی آقایان کنم

رئیس-- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در غالب مسائل و نظریات آقای شیروانی مساعدت کرده ام. موافقت هم کرده ام. در این موضوع این منطقی را هم که بیان کردند و آقای کازرونی را خجالت دادند که از مجلس بیرون رفتند بنده از میدان در نمیروم. بنده این را تصدیق دارم که حقیقه میتوانیم بگوئیم که پایتخت دوم ایران شهر اصفهان است همان طور که ما توجه به طهران داریم باید باصفهان هم داشته باشیم زیرا سوابق تاریخی اصفهان قبل از اسلام است. يك سوابق خیلی با عظمتی دارد و مرکز انقلاب ملی ایران اصفهان بوده است. يك کرامت ملی که ما داریم همان مسئله کاوه آهنگر است که در اصفهان بوده است. پس يك شهر باین عظمتی را که دارای خیلی سوابق تاریخی و دارای کرامت ملی است که در تاریخ ایران محفوظ است باید در نظر گرفت. اما خود آقای شیروانی را بنده دعوت میکنم مساعدت کنند آن اصلیرا که مانماندهها در نظر داریم محفوظ باشد و آن این است که مالیات عمومی را متوجه کنیم بعموم مملکت. اینجا قاعداد کردند که بعضی منافع خصوصی در اصفهان بوده است و مالیه آن را ضبط کرده است بنده پیشنهاد میکنم که آن قامتهای خصوصی که مخصوص شهر اصفهان است و فرمودند مالیات نغال و میوه جات و غیره همانطور که در شیراز هم واقع

شده است اینها را بمصرف بلدی برسانند نه عوائد مملکتی را. عوائد هر شهری منحصر به همان شهر است و این را نباید منحصر به همان سی هزار تومان هم کرد شاید صد هزار تومان باشد. این را بنده موافقم که عوائد شهری که تخمیل بر ارزاق شهر هم میشود خرج همان شهر بشود. جهت ندارد آن چیزی که بر يك شهري تخمیل میشود خرج تمام مملکت بشود. مدلل بدانند آن اقلای که در شهر اصفهان قبل از اجرای این قانون تخمیل بر اوزاق میشده است و مالیه آن را ضبط کرده است همان را برگردانند و مخصوص بکنند برای بلدیة اصفهان اعم از اینکه سی هزار تومان یا صد هزار تومان چرا؟ برای اینکه تخمیل بر ارزاق آن شهر شده است در این مسئله تمام نمایندگان رأی میدهند و يك منق هم ما نگذاشتیم بر سر اصفهان چون این محل عایدی مخصوص خودش بوده و صرف خودش میشود. چه دای دزد که شما بیائید اینجا التماس به بنده و آقای کازرونی بکنید آنوقت ما بیائیم رأی بدهیم بر خلاف واقع یعنی بر آن چیزی که نباید رأی بدهیم. یعنی رأی بدهیم که مالیات عمومی مملکت بمصارف خصوصی برسد که همه ما مخالف با این اصل هستیم. من استدعا میکنم بر خلاف استدعای ایشان که ما را دعوت نکنند که آنچه چیزی را که ما وظیفه نداریم رأی بدهیم. يك صورتی بیاورند و بگویند این قلم ها مالیاتی بوده است که برای خود این شهر مصرف میشده است و مالیه ضبط کرده است آنوقت ما رأی بدهیم...

خبر - مجلس بخشیده است.

آقا سید یعقوب - حالا عرض میکنم. چون جواب دارم و مال شیراز هم همینطور شده است. هر چیزی که برای مخارج بلدیة اصفهان تخمیل مردم میشده ممکن است بگوئیم از آن مالیات راه باید بدهند. اگر اینطور نوشته شود ما کاملاً موافق هستیم و الا خودتان تصدیق بفرمائید که من چطور رأی بدهم. و يك چیزی را هم

از آقای رئیس اجازه میخواهم عرض کنم که نگویند خارج از موضوع است. يك خلاف قانونی واقع شده است و برای من نوشته اند که بلدیة شیراز را کودتا کرده اند. به آقای رئیس الوزراء و وزیر داخله هم گفته ام. سؤال هم کرده ام نمایندگان جواب بدهند. بهر کدام التماس میکنم و میگویم آقا: حاکم کودتا کرده است و گفته است باید بلدیة تعطیل بشود و بلدیة را تعطیل کرده اند. آهم بلدیة قانونی بوده که در آنجا تشکیل شده است. شما فکر این را نکنید!!

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده میخواهم به ندای آقای شیروانی که استمداد کرده بودند راجع باصفهان کمک کنم و عقاید خود را بگویم عرض کنم که بلدیة يك مؤسسه ملی است و بنده همیشه این نرصد دارم که هر وقت این قضیه در مجلس شورای ملی مطرح میشود بیشتر ابراز علاقه بان بشود. برای اینکه یکی از ناسیسات ملی است و آهم موضوع انتخاب است. و بالاخره اگر يك نواقصی هم دارد باید طوری کرد که بیشتر نزدیک به ملت باشد آن را هم پیش بینی کنید و جزء دستور بگذارید. قانون بلدیة از کمیسیون داخله گذشته قریباً خواهد آمد. عرض کنم که يك طرز برای محاوره هست و مدنی است بنده وقت میکنم در مجلس این طرز معمول به شده است و آن این است که بایک مقدمات مساعدت آمیزی صحبت میکنند بعد در يك نقطه عدول میکنند و بر میگردند بنده رفیقم، موافقم، مساعدم. اما... یعنی يك کله اما، ولی، اگر، و از این کلمات پیدا میشود و از عقیده خود عدول میکنند. بنده عقیده ام این است که قضایا هر کدام به نوبه خودش باید طرف علاقه واقع شود و ختم شود و بعد قضیه دیگری که می آید و باز مورد علاقه است در آن تولید يك جریان لازمی میکنند و آنرا هم بموقع خودش لباس عمل بپوشانند. بنده در همان موقع که صحبت میشد بلدیة مازندران بنظر آمد. در بندر جز

مرداب است مالاریا منتشر است منتها مال التجاره حمل و نقل میشود به بندر بهلوی و هفتاد و دو هزار تومان عایدات دارد ولی بندر جز ندارد برای اینکه آنجا طریق نبوده. بنده خواستم از آنجا يك حرفی بزنم ولی فکر کرده که خوب ما هم از آقای شیروانی اقتباس میکنم فکر میکنم برای آنجا چه حل پیدا میکنم بعد روی کاغذ میآوریم بنا بر این لازم نیست که مانع بشویم از يك فکری که حالا حاضر شده است بعلاوه همانطور که فرمودند اصفهان يك محلی است که باید مورد توجه باشد و بالاخره همه جا مال يك مملکت است و بعلاوه يك مسئله دیگری را هم باید فکر کرد. مردم همیشه مطابق سلیقه و ذوقشان متمتع میشوند. اصفهان خیلی پیشرفت کرده و همیشه از حیث فکر قوی هستند البته بهره شان هم باید بیشتر طبیعی است. اینکه بفرمائید مالیاتی که در آنجا هست احتساب کنند و بعد معادل آن بیایند به بلدیة بدهند این علاقه برقم و شیفر است ولی بالاخره اینها همه بصندوق عمومی ریخته میشود و از آنجا میآید بیرون و اینها همه در قانون راجع بالغاء مالیات نواقص ماده مخصوصی دارد(که حالا آقای طلوع به بنده تذکر دند) که همه اینها در آنجا حذف شده و به صندوق مملکت ریخته میشود و حالا اگر ما نخواهیم هیچ عنوان و آدرس برای آن قرار بگذاریم این گناهی نیست و اینقدر ها قضیه قابل اهمیت نیست. مسئله بلدیة را خود بنده هم خیلی علاقه دارم شور اول قانون بلدیة هم گذشته است. آقای مدرس هم چند روز قبل تذکر دادند که بلدیة ها باید قانونی شود. این فکر خوبی است بلدیة را انتخابی قرار داده اند تا اینکه حکومتش بر مردم مطبوع باشد. این يك تدبیری بوده است که بشر برای تخمیل فکرش بر دیگران درست کرده آمده رأی گرفته خودش را منتخب آنها کرده بعد اراده اش را بر آنها تخمیل کرده و حال آنکه اگر این مقدمات را بعمل نیاورد دیگران آن را دوست ندارند و میل دارند اینطور باشد. قانون بلدیة ها در پشت سر این است. يك مسئله را هم میخواهم از موقع استفاده کنم و عرض کنم: در موقعی که مالیات راه ها الغاء شد

يك امری واقع شد که فکر نشده شد یعنی گفتند نواقص و عواید هر محلی باضافه صد پنجاه از مخارج آن که برای وصول نواقص میشده به همان محل داده شود. این سبب شد که این مخارج و عواید تقسیم به نسبت صحیح نمیشود. یعنی يك جائی که بیشتر طریق بوده بیشتر بهره مند میشود و يك جائی که طریق نبوده نمیشود. همینطور که مثال زدم بندر جز و بندر بهلوی. برای اینکه اتفاقاً مال التجاره از آن راه چون شوسه بوده میآمده هفتاد و دو هزار تومان عوائد دارد. این عوائد فعلی است و امید واری هست بعد که بحساب رسیدگی شود بیشتر باشد ولی بندر جز که مرداب است و مالاریا و کثافت کاری در آنجا زیاد است يك شاهی هم ندارد. گر هم دارد بقدری ضعیف است که نمیشود کاری کرد باید تجدید نظری در این ماده بشود. بنظر بنده باید از حالا بدوات تذکر داد که باید برای این بی اعتدالی که طبعاً از مراد و عدم مراد و پیش آمده يك صورتی بدهند و تقسیم به نسبت بکنند. بجوای تقسیم بکنند نه باتفاق. حالا تقسیم عوائد بلدی بر شهرها ناشی از اتفاق است. این فکر عمومی را هم پشت سر این ماداریم امید وارم خود آقای شیروانی هم که خبر کمیسیون بوده اند باین مسئله متوجه باشند که تصحیح این ماده قانون کل ضرورت را دارد. حالا باز برگردیم سر بلدیة اصفهان بلدیة اصفهان را بدون هیچ اشکال تراشی وجهی که خود ملت میدهد برای خود ملت باید صرف کرد. در اینجا باید خیلی بذال بود و نباید امساک داشت. این را می دهیم و قضایای دیگر را هم بنوبه خودش اصلاح می کنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - مذاکرات کافی است

بامداد - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

بامداد - بنده خیلی متأسفم که این لایحه سبب شده که نمایندگان نسبت باین لایحه اختلاف نظر پیدا کرده اند در صورتیکه باید وحدت نظر داشته باشند. ولی این يك مسئله است. چون کاملاً تبعیض است و این بلا در تمام شهرها وارد است. ولی يك شهر می خواهد رفع این بلا را بکند و حقاً هم نباید بکند اما تکلیف سایرین را باید دید چیست این است که استدعا دارم مذاکرات زیاد تر بشود که سایرین هم بتوانند استفاده کنند این چه تبعیض است؟ همه باین درد مبتلا هستند!

رئیس - آقای زوار

زوار - با مذاکراتی که آقای دادگر فرمودند تصور میکنم عبارت تبعیض را از بین برداشتنند زیرا ایشان فرمودند ما فعلاً اصفهان را میگذرانیم بعد هم همین پیشنهاد را که نمایندگان اصفهان کرده اند وقتی گذشت هر کدام از آقایان احتیاجاتی برای محل های خودشان در نظر داشته باشند پیشنهاد بفرمایند البته ارفع می شود.

رئیس آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای بامداد

بامداد - تصور میکنم هر کس در این لایحه مخالف باشد نظری اصفهان ندارد نه آقای کازرون نه آقای آقا سید یعقوب نه بنده اگر پیشنهاد نکنند راجع به کاشان حتی جوشقان هم همه ما از خدا میخواهیم بلدیة داشته باشد وسایل صحی و نظیف و تنوبر برای همه جا موجود باشد. مخالفت فقط راجع بتبعیض است بنده عرض میکنم که يك عابدانی بلدیة ها داشتند یعنی خودشان می آمدند برای شهر خودشان يك محلی را پیدا می کردند و می گفتند از این محل ما اینقدر میدهیم که صرف شهر بشود چون نواقل و اینگونه باج ها

اسباب زحمت شده بود مجلس آمد الغاء کرد و عوائد موجوده آن تاریخ را باضافه صدی پنجاه خرج وصول نواقل قرارداد بپهر شهری داده شود. شیراز و اصفهان اینقدر که بنده اطلاع دارم عیناً مثل هم گرفتار شده اند باقی جاها هم حتماً اینطور است زیرا علاوه بر آن عوائدی که جاری و مستمر هم بود و مالیه میگفت من اینها را میشناسم يك مالیات دیگری اخیراً یعنی از یکسال و نیم باینطرف آمده اند ایجاد کرده اند که از هر باری که وارد شهر میشود سیصد دینار و پنجشاهی و يك عباسی بتفاوت بگیرند این پول نا عوائد سابقش روی هم ماهی دوسه هزار تومان نود شهر شیراز فوق العاده احتیاجش به نظافت و صحت پیش از هر شهری است زیرا نا امنی و گرفتاری های سابقه طوری کرده که آنها بقدری کوچه ها را تنگ و بند بند و بلند ساخته اند که بند بندش سنگر شد که بتوانند بدخترها در موقع هجوم لشکر دفاع بکنند و همین وضع ساختمان شهر باعث شده است که دست نمیتوانند نظیف بعمل بیاورند دو چرخه نمی تواند در کوچه ها گردش کند حتی بعضی جاها بار نمیتواند خوب رفت و آمد کند باینواسطه احتیاجش زیاد است و باید توجه بیشتری نسبت باین شهر کرده همین وضعیت شهر انجام می کند که باید بیشتر به تدویرش اهمیت داد. زیرا همین کوچه های بدسج بدسج تنگ باید روشن باشد برای عبور و مرور قافلا. مزایائی هم که شیراز دارد هیچ کمتر از مزایای شهر اصفهان نیست بجهة اینکه شهر تاریخی قبل از اسلام است پایتخت هخامنشی بوده منشأ سامانیها بوده پایتخت محبوبترین پادشاهان ایران بوده که کریم خان است. بنا بر این از حیث مزایا اگر نگاه کنیم او هم حق دارد. بنده هیچ دفاع نمیکم از شهر شیراز تمام نمایندگان ایالات اطلاع دارند که اوضاع صحی شهر شان چطور است. بلدیة يك مؤسسه است بادکار مشروطیت. اولاً حقیقة دولت نباید دخالت در آن بکند

بکند باید دست خود مردم باشد بگیرند بدهند هر طور که میخواهند خود شان عمل بکنند قانون هم همینطور است. حالا دولت آمده است مداخله میکند بعضی جاها را هم هیچ اجازه نمیدهد که انجمن انتخاب بشود تا دخالت بکند در دخل و خرج و نظارت داشته باشد. جاهائی هم که حاکم خوب پیدا شده اجازه داده و انجمن قانونی دارد مدت هم چهارسال است آزا هم بقول آقای آقا سید یعقوب کودتا میکنند و میگویند باید بدست ما باشد. از يك طرف دولت اینطور مداخلات میکند و از يكطرف میآید يك لایحه تقدیم مجلس میکند که بشهر اصفهان استثناء می و چند هزار تومان از سایر عواید بلدیة ها بدهند. آخر برای چه؟ بنده که يك نماینده هستم در سهم خودم راضی نیستم که با صد تومانش برسد به اصفهان حاضر نیستم.

مخبر - اینطور نیست

بامداد - صریح لایحه است برای چه آقای! بنده عرض میکنم چرا اینطور میکنید! تمام شهرها گرفتارند و يك پولی موجود يك قانونی هم گذشته بیاید همه مان دست بدست بدهیم با حکومت حاضره داخل مذاکره بشوید يك قانون بیاورید بمجلس و تجدید نظر بکنید در آن قانون سابق و بعد دقیقاً محاسبات را رسیدگی بکنید ببینید چه جور میشود تقسیم کرد! اگر پنج هزار تومان سهم شیراز است آنوقت نگوئید مالیه گفته است (بنده خودم آنجا بودم که مذاکره میکردند) میگفتند چون مالیات که از بارها و میوه ها میگرفته اند قانونی نیست ما قبول نمیکنیم. تو چه حق داری قبول نمیکنی! عایدات موجوده را باید بعلاوه صدی پنجاه نواقل بدهی البته اصفهان هم عین همین گرفتاری را پیدا کرده است نکته ایند دیگر نمیدهیم يك کلاه شرعی سرش گذاشته اند. در کلیایبان هم هست در مشهد هم البته همین طور است. اگر شما میگوئید که الهم فالهم را باید رعایت کرد حقیقة باید عمل کرد. بنده با آقای کازرون موافقت

دارم. حقیقة ما نباید اینجا حیدری نعمتی درست بکنیم من نماینده کجا هستم دیگری نماینده کجا است. او از منافع محل خودش دفاع کند دیگری از منافع خودش! الهم فالهم را نگاه کنید. اگر این جا يك لایحه می آمد برای بندر جزیر یا بندر بوشهر که مرکز بندر است و بندر مهم ایران است کسی حرف نداشت. آنجا حقیقة اگر يك باران بیاید به يك جزیر و مد شود مسیله اش یکطوری میشود که قابل عبور و مرور نیست. مال التجاره از آنجا بایران می آید. نمایندگان خارجه از آنجا می آیند. و معبر بزرگی است دولت باید آنجا را درست کند که عبور و مرور سهیل شود مسیله اش درست شود. تفنن را نباید بر ضرورت تقدم داد. بنده اصفهان را دیده ام الحمدالله دارای خیابان خوب و بنا کیزه و همانطور که آقای شیروان فرمودند بنده هم خیلی خوشوقتم که اصفهان دارای يك چنین خلقی است و اهالی آنجا دارای يك چنین اخلاق اقتصادی و کار کن هستند و علاقه مند بوضع عمومی خودشان هستند ولی سایر شهرها اینطور نیست. گرفتار ترند حکومت کنونی باید بیشتر بآن ها نظر بکند بنا بر این بنده عرض میکنم خوب است این لایحه مسکون عنه ماند و بیایید يك طرحی تهیه کنیم و با دولت داخل مذاکره شویم که نسبت بآن قانون و تقسیم عوائد تصمیمی اتخاذ شود که بالنسبه و عادلانه تقسیم شود و البته اصفهان هم هر چه سهمش شده حاضریم و هیچکس هم مانع نیست.

مخبر - يك مسائل اساسی را آقای بامداد این جا تذکر دادند راجع به اصلاح قانون انجمن بلدیة ها و راجع باین که تمام مملکت باید از این مؤسسه ملی بهره مند شود و بالاخره راجع به اغلب اصلاحات مملکتی که اینها را خودشان باید تصدیق بفرمایند که ارتباطی با این که کمکی به بلدیة اصفهان بشود ندارد. بنده تمام فرمایشاتشان را تصدیق دارم و تبعیض هم نشده بلکه

يك ماده قانونی مجلس پنجم از روی اینکه حساب کامل نکرد وضع کرده که آن ماده قانون تبعیض کرده است ما میخواهیم رفع آن تبعیض را بکنیم و اما اینکه فرمودند شهر شیراز یکی از بلاد نارنجی است بنده کاملاً تصدیق دارم که آنجا را هم باید يك رعایت هائی کرد و نسبت بسایر ولایات ایران هم باید يك توجه هائی نشود و آن قانون هم اصلاح شود تمام مسائلی را که آقای بامداد فرمودند درست شود ولی آنها انصاف و عدالت اقتضا دارد که این کارهائی که میفرمائید در دوره هفتم و هشتم و نهم هم نخواهد شد ما این لایحه بلدیة اصفهان را نگاه داریم تا نصف این اصلاحات مملکتی بعمل بیاید؟ این انصاف نیست. این مثل این است که ایشان میل ندارند با یکی از شهر های مملکت خودشان مساعدت بکنند و اما اینکه فرمودند از عایدات سایر بلدیة ها برداشته میشود عجالاً بنده این را تکذیب میکنم که يك وقت سوء تفاهم نشود برای اینکه اینطور نیست و از سهم سایر بلدیة ها يك شاهی صرف این کار نمیشود ماده را ملاحظه فرمائید. دو قسمت است يك قسمت این است که برای بلدیة های مملکت در آن قانون وضع شده قرار داد شده آنچه که به بلدیة ها داده میشود باضافه صدی پنجاه مخارج وصول نواقل داده شود پس از اینکه این تقسیم شد آنچه که باقی میماند خرج راه سازی بشود. در هزار و سیصد و پنجاه که آمده اند این را تقسیم کرده اند و يك میلیون و نیم اختصاص داده اند به راه سازی يك مازادی داشته و آنوقت که ما این ارقام را مینویسیم يك ارقام ثابتی نبود و عوائد راهها هم معین نبود و ما نمیدانستیم يك مازادی هست. از کمیسیون بودجه هم يك صورتی آمده بود ولی ثابت نبود امروز مازاد کاملاً معلوم است و مازاد هم سی و شش هزار تومان نیست و قریب دویست هزار تومان است که اطلاع داریم نماینده های شیراز هم رفته اند در وزارت داخله مذاکراتی کرده اند و بنده خیلی خوشوقت شدم

و در روزنامه خواندم که تقریباً در حدود سی و يك هزار تومان هم برای آنجا در نظر گرفته اند و همینطور اغلب نماینده های ولایات از قبیل خراسان و جاهای دیگر رفته اند و مذاکراتی کرده اند و بنده خودم با وزارت داخله همین دیروز مذاکره میکردم که ما باید این مالیات را ارقام ثابتش را معین کنیم و تقسیم شود تمام ولایات و مقصود این است که این مازاد راه است و اگر صرف بلدیة اصفهان نشود جزو اضافه عایدات بصرفه جوئی ضبط صندوق مملکت میشود و این پیشنهاد تقسیم را هم میفرمائید ولی وقتی که لایحه بلدیة اصفهان می آید این جا مخالفت میکنند. یکسال و دو ماه از دوره نمایندگی حضرتعالی گذشته و يك چنین پیشنهادی را نیاورده اند به مجلس. بنده هم پیشنهاد نکرده ام ولی بالاخره پس از این مدت يك عده رفقای شما زحمت کشیده اند و این را آورده اند به مجلس حضرتعالی هم مكلف فرمائید این از صوب مجلس بگذرد و بقول خود شما سایر رفقا راه باز شود که ما راجع بسایر بلدیة ها هم يك اقداماتی بکنیم میل هم ندارید رای ندهید.

رئیس -- آقای طاهری

طاهری -- موافقم

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- موافقم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده بارها عرض کرده ام با هر اصلاحات مملکتی موافقم و آرزو دارم که تمام شهرهای ایران هم مثل شهرهای اروپا باندازه که مخالف با دیانت نباشد بشود و همیشه بطرز کثافت ما زندگی نکنیم و خود تمیزی و نظافت هم از قوانین اسلامی است اما چیزی که قبل از این آرزو دارم این است که يك کاری کنیم که با این پولهایی که خرج بلدیة میزنیم تمام مملکت را از حیث فقر و فلاکت نجات بدهیم بعد وقتی يك مملکتی شد که

از خودش دارائی داشت تمام شهرها و قصبات را بهتر از اروپا اداره کنیم یعنی تا آن اندازه که هم بقانون مذهبمان موافق است و هم با قانون عقل. اما نه مثل امروز که در مملکت خودمان هیچ نداریم. تا امروز هم که نمیدانستیم پول هم داریم حالا میشنوم از فلان محل اضافه داریم حالا بادم نیست چیست و این را حالا این جا میشنوم خوب اگر در دست هزار تومان اضافه داریم خوبت آقایان این پول را اگر از جای دیگر هم پیدا میشود بردارند و تخصیص بدهند بيك امور کلی که عام المنفعه برای تمام مملکت باشد و الا این سی و شش هزار تومان به اصفهان تخصیص داده میشود و صد و پنجاه هزار تومان هم فردا به طهران و شیراز تخصیص میدهند و بالاخره اگر ما نخواهیم تمام عایدات مملکت را هم خرج بلدیة ها بکنیم کفایت نخواهد کرد. باین ملاحظه بنده عقیده دارم اولاً اساس مملکت، اساس بودجه مملکت را محکم و درست کنیم بعد بمخارج بلدیة ها بپردازیم. گمانم این است خود آقایان هم تصدیق فرمایند که این پول صرف مخارج اساسی بشود بهتر است. مثلاً امروز يك کارخانه چرم سازی که خیلی جزئی است در مملکت نداریم آن وقت باید شصدهفتصد هزار تومان چرم از خارجه بخریم که مطابق قانون مذهبمان هم نجس باشد و هم پولش بمخارج برود و بیاوریم آنجا و ارسی بدوزیم. این پول را صرف بيك کارخانه چرم سازی بکنیم و با آسانی بیاوریم اینجا. همینطور کارخانه فقط که روزی سی هزار تومان پول فقط و بیزین میدهیم و نمیدانم آخر کارش بکجا میرسد. در صد این کار باشیم در صورتیکه چقدر پیشنهاد در وزارت فوائد عامه راجع باستخراج فقط از نجات داخلی هست باین ملاحظات بنده با این خرج ها مخالفم و امید دارم آقایان يك نظر اسامی به تمام مملکت بکنند بعد که مملکت آباد شد بهتر از اینها به پاکیزگی شهر می پردازیم

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است
رئیس -- مذاکرات کافی است؟ ...
حاج شیخ بیات -- بنده مخالفم
رئیس -- بفرمائید

حاج شیخ بیات -- عقیده بنده این است که این جا بحث در این نیست که بصفهان چرا این مبلغ داده می شود. مذاکره در این است که چرا باید از عوائد جاهای دیگر گرفته شود و بصفهان داده شود. این است که بنده عقیده مندم که این لایحه مهمی است برای اینکه همانطور که بلدیة اصفهان احتیاج دارد و محتاج بيك اصلاحاتی است سایر بلدیة ها هم همینطور محتاجند. همانطور که بلدیة اصفهان بيك عوائدی احتیاج دارد سایر شهرها هم همینطور بلکه محتاج ترند. از این نقطه نظر بنده عقیده دارم آقایان اجازه بدهند آقایان موافقین و مخالفین نظریاتی که دارند اظهار کنند بعد رأی گرفته شود

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان ایلخان -- بنده عقیده دارم که بقدر کافی راجع باین لایحه بحث شده است و این که آقای حاج شیخ بیات فرمودند ولایات دیگر هم بلدیة هاشان محتاج به اصلاحاتی است هر کس موافق است و انکار ندارد که سایر جاها هم اصلاح لازم دارد ولی امروز که اصفهان لایحه اش آمده است مجلس و همه آقایان هم موافقتند که باید به بلدیة آنجا کمی بشود دلیل ندارد که مذاکرات را کافی ندانیم و مذاکرات زیاد در اطرافش بکنیم بلکه باید این جا اصلاح شود سایر جاها هم بعد فکری برایش بشود بنا بر این بنده معتقدم که مذاکرات کافی است.

رئیس -- آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- اکثریت است. پیشنهاد آقای بامداد (مضمون ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم این لایحه فعلاً از دستور خارج شود تا در باب مازاد نواقل با دولت نسبت تمام بلسببه ها قرار قطعی بدهیم.
رئیس -- بفرمائید

بامداد -- نظر بنده این است که مجلس يك تبعیض نسبت به شهرهای ایران قائل نشود. چون حسابها خیلی در هم و برهم است و ما مگر درخواستیم رسیدگی کنیم باین حسابها که اقلام درست معلوم شود که چقدر حق شیراز است. اخیراً خودشان تفضل فرمودند سه هزار تومان حق آنجا است ولی قطعاً زیاد تر است. البته نسبت تمام شهرها همینطور اختلاف نظر بین نمایندگان محترم و وزارت مالیه هست. نواقل هم يك مازادی دارد و به این اقلام که مراجعه شود يك مبلغ هنگفت از دو بیست هزار تومان خواهد شد و بنده عقیده ام این است که این لایحه فعلاً مسکوت عنه ماند تا با دولت در باب کلیه پولهایی که از بابت مصرف راه و از الغاء باج راه و از پرتو این قانون در خزانه مانده داخل مذاکره شویم و يك مبلغی را معین کنیم که بالنسبه مطابق همان قانون بین تمام شهرها تقسیم شود نه اینکه تبعیض بشود و مجلس هم زیر بار این تبعیض برود.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم يك قضیه که در دستور گذاشته میشود و اذهان بهش متوجه میشود و در اطراف آن فکر میکنند و خودشان را آماده میکنند وقتی از دستور خارج شد از تمام اذهان بیرون میرود و بنده عقیده ام این است وقتی واقعاً يك مسئله در مجلس می آید مطرح و مذاکره میشود اگر میل هم ندارند تصویب شود نفیض را در نظر بگیرند که از بین برود و بنده حلالاً صلاح میدانم این قضیه از دستور خارج شود چون حالا يك قدری در اطرافش

فکر کرده ایم و حالا برود برای يك زمان دیگر صحیح نیست. دیگر اینکه میفرمایند که دولت در این باب مطالعه کنند این جا بنده میخواهم يك عرضی بکنم حضرت آقای بامداد خودشان هم يك آدم فکوری هستند میدانند که این کلمه تبعیض در باب ولایات يك کلمه مطبوعی نیست و ما وکلای ولایات چون این ناشی از حس محلی است نباید خودمان را تسلیم حس محلی کنیم بالاخره باید مؤید افکار عمومی شد این فکسر مستحسن نیست حالا قضیه را مارأی میدهم حضرتعالی هم همانطور مثل آقای شیروانی صرف وقت بفرمائید، تحریر کنید، کتابت کنید، در کمیسیون بروید با وزارت داخله مذاکره کنید و يك لایحه بیاورید به مجلس. دلیل ندارد. يك فکری که شده، يك زحمتی که کشیده شده، چرا از بین برود؟ و بنظر بنده باید این لایحه که يك مقداری از وقت مجلس را تلف کرده حالا هم صرف وقت بکنیم و وقت مجلس را ضایع نکنیم و البته در آینده آن کارها را هم میتوانیم بکنیم

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای بامداد را تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای طاهری (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بطوریکه در کمیسیون بودجه رأی داده شد و ماده واحده تنظیم شده عبارت ماده بطریق ذیل اصلاح شود
ماده واحده -- بوزارت مالیه اجازه داده میشود بابت اضافه عایدات مالیات راه در ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ سهمیه بلدییه ها مبلغ سی و شش هزار تومان علاوه بر مبلغی که بموجب قانون مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ بلدییه اصفهان تعلق میگردد فقط برای یکمرتبه بلدییه مزبور بپردازد تا آخر ماده

رئیس -- بفرمائید

دکتر طاهری -- این اصلاح عبارتی را که بنده پیشنهاد کرده ام عین آن چیزی است که در کمیسیون بودجه هست و چون ممکن بود طور دیگر تبعیض بشود و آقایان هم که با این لایحه مخالفت میکنند شاید تصور میکنند این اضافه علاوه بر مقررات سهمیه خود اصفهان است و همه ساله باید از عایدات راه برداشته شود از این جهت بنده خواستم تصریح شود که آقایان بدانند فقط برای يك دفعه است و این اندازه مخالفت نکنند و این عین آن چیزی است که در کمیسیون بودجه تصویب شده بود

مخبر -- در کمیسیون اینطور تصویب شد که در ۱۳۰۶ سی و شش هزار قانون بلدییه اصفهان داده شود و بنده در خبر نوشتم ۱۳۰۶ ولی اینکه برای یکمرتبه باشد البته یکمرتبه میدهم آن هم در ۱۳۰۶ بعلاوه ممکن است در ۱۳۰۷ هم دولت يك محلی پیدا کند برای اصفهان و سایر ولایات و باز هم بیاورد و بنده مخصوصاً در لایحه تذکر داده ام که در ۱۳۰۶ و مقصود هم یکمرتبه است و گمان نمیکنم مشکالی وارد باشد بنده ماده را برای ۱۳۰۶ نوشتم.

رئیس -- آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات -- بنده هم گمان میکنم همانطور که آقای طاهری اظهار کردند در کمیسیون مخصوصاً این کلمه قید شد و در رایویتی هم که داده شده فقط يك مرتبه ذکر شده فقط و همانطور هم رای داده شد و این عبارت هم باید در لایحه ذکر شود چون نظر کمیسیون این بود و عقیده بنده باید اضافه شود و آن قسمت اولی را همانطور که اظهار کردند مطابق رایی است که کمیسیون داده از این جهت بنده گمان میکنم بهتر این است که آقای مخبر قبول کنند که منظور کمیسیون بعمل آمده باشد که اشکالی وارد نشود
مخبر -- منظور همین است بنده هم قبول میکنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات مربوط باین جا نیست و گمان نمیکنم مربوط به آن لایحه باشد. (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده واحده را بقرار ذیل اصلاح نموده و پیشنهاد میکنم ماده واحده -- وزارت مالیه مکلف است که اضافه عایدات بلدییه ها را به تناسب شهرها تقسیم نماید و سهمی اصفهان را هم باین تناسب بپردازند

رئیس -- گمان نمیکنم موضوعی داشته باشد. پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب کرده اند ولی بعد از آنکه آقای مخبر پیشنهاد آقای طاهری را قبول کردند گمان نمیکنم دیگر موضوعی داشته باشد.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم کلمه سنوات بعد حذف شود

رئیس -- بفرمائید.

آقا سید یعقوب -- بنده این پیشنهاد را کرده برای خاطر اینکه اضافه عایدات سیصد و شش هم هنوز معین نشده همینطور سیصد و پنج هم معین نشده و بودجه را هم نمی آورند. ما هم که اطلاع نداریم چقدر است بودجه را هم هر وقت می آورند آقای رئیس الوزراء مینویسند دولت در نظر دارد تجدید نظر کند. امروز کاغذی نوشته اند و بودجه را پس گرفته اند این است ترتیب بودجه. اینجا مینویسد اضافه عایدات سیصد و پنج و سنوات بعد. عرض میکنم ما که اطلاع نداریم از اضافه عایدات سیصد و پنج و اما اضافه ۱۳۰۶ را که آقای طاهری پیشنهاد کردند و آقای مخبر هم قبول کردند ما والله خبر نداریم که اضافه عایدات داریم یا نداریم. و میدانیم چه میکنند. و پولها را چطور میخورند پس در صورتیکه ما از بودجه خبر نداریم چطور میتوانیم چشم بسته رأی بدهیم؟ چشم ما کور است نسبت تمام عملیات دولت و اطلاع نداریم در اینصورت چطور بگذرانیم بلکه در سیصد و شش گفت ما اضافه عایدات نداریم دولت هم

دولت معتمد علیها است این است که بنده پیشنهاد کردم اضافه سیصد و پنچ را که نوشته است قبول کنیم اما سنوات بعد را قبول نکنیم تا مجلس يك تکلیفی با دولت معلوم کند

مخبر - اولاً این لایحه مال وکلا است و ربطی بدولت ندارد که حمله بدولت بفرمائید. در سنوات بعد اضافه عایدات اگر باشد میدهند و اگر نباشد نمیدهند مجلس تصویب میکند که در صورتیکه اضافه عایداتی در سیصد و پنچ و سنوات بعد هست سی و شش هزار تومان به بلدیۀ اصفهان بپردازند اگر این محل بود دولت میپردازد اگر نبود که از عایدات مملکتی و بودجه عمومی نمیدهد برای اینکه مجلس میگوید فقط باید از اضافه عایدات بدهند در اینصورت بنده تصور نمیکنم اشکالی باشد در کمیسیون بودجه هم که کلاً سنوات بعد نوشته شد برای این بود که ما نمیدانستیم از عایدات راه يك اضافاتی هست ولی دولت نمیدهد و این راهم که می فرمایند اطلاع نداریم صحیح می فرمایند بنده همیشه عرض کرده ام دولت باید لایحه تفریح بودجه را بیاورد که از خود بودجه اهمیتش زیاد تر است که ما بفهمیم چه کرده است ولی عجله تمام این کارها را در بودجه بلدیۀ اصفهان نمیخواهیم اصلاح کنیم در اینصورت کان میکنم پیشنهاد ایشان موردی نداشته باشد و استدعا میکنم پس بگیرند

آقا سید یعقوب - پس میگیرم.

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره حذف شود.

مدرس - عرض میشود که هر لایحه را که آقای شیروان مخبرش باشد دیگر نوبه ندارد کسی که حرف بزند. بنده اجازه خواستم که در اصل مطلب حرف بزنم و گمانم این است که از اول مطلب حل میشد و آن این است که اگر اجازه میفرمایند بنده

عرض میکنم که با تمام این بلدیۀها مخالفم مگر اینکه قانونی باشد. میگفتند بلدیۀ شیراز قانونی است همینطور بلدیۀ مشهد هم قانونی است.

بکنفر از نمایندگان - خیر

مدرس - اینطور میگفتند که هر آرموآموری که خلاف قانون رفتار کند دزدی است. اگر من فقیر باشم و مستحق هم باشم ولی مالی را بدون جهت شرعی بخورم دزدی است پس اگر بلدیۀ غیر قانونی باشد ولو اینکه يك کارهای فوق العاده خوب هم بکنند چون بر خلاف این قانون است این پول خرج کردن مشروع نیست...

بکنفر از نمایندگان - اینطور نیست

مدرس - صاحب پول میگوید از این راه پول من را خرج کن اگر غیر از آن راه خرج کند مشروع نیست. بلدیۀ اصفهان هم قانونی نیست ولی از بس اهل

اصفهان بوزارت داخله تلگراف کرده اند و کاغذ نوشته اند که اجازه بدهید بر طبق این قانون بلدیۀ را انتخاب کنیم و سالیان دراز است کسی جواب آنها را نمیدهد خسته شدند بالاخره طبقات مردم جمع شدند و يك اشخاصی را معین کردند که این مخارجی را که دولت میکند در تحت نظر آنها باشد. از راه لا علاجی و ناچاری طبقات مردم اشخاص امینی را معین کردند و يك هیئتی را معین کردند که این پولی را که دولت معین میکند در تحت نظر آن ها خرج شود. لهذا از این جهت که يك چند نفری از طبقات مردم پیدا شده اند که اینکار را بکنند بلدیۀ آنجا يك تقدیمی دارد در سایر بلدیۀها و امادو مسئله ذکر شد که از پول مملکتی خرج بلدیۀ کردن غیر مشروع است باید از پولیکه پول بلدی است با از چیزی که جای پول بلدی است خرج کنند لهذا بنده چون این تبصره موهم از این است که از پول غیر بلدی خرج شود تقاضا کردم حذف شود يك فرمایش بعضیها فرمودند که میخواهم عرض کنم این پول ضرر اقتصادی هم ندارد بواسطه اینکه کمک است به يك چراغ برقی

که بقدر این پول تفاوت در اقتصادیات مملکتی میکند این واقعات این پیشنهادات حالا اگر تبصره را حذف کنند شاید بنده هم به این جهت رأی بدهم

مخبر - بنده خیلی متشکرم که اظهارات آقای مدرس در حقیقت مؤید عرایض بنده بود در اصل قضیه ولی مرقوم فرموده بودند که از عایدات مملکتی نباید باشد تبصره هم از عایدات مملکتی نیست بنده میخواستم تبصره را معینا اگر باز هم رفع اشکال آقا نمیشود ممکن است قبول کنیم (اگر مبالغ مذکوره فوق کافی برای پرداخت این مبلغ نباشد تفاوت از کل عایدات راه نادیه خواهد شد) همین عایدات اقتصادی بلدیۀها خواهد بود و در حقیقت مربوط به عایدات مملکتی نیست معینا ممکن است در موقع رأی بطور تجزیه رأی گرفته شود

رئیس - در مرقع رأی قطعی تجزیه میشود و تکلیف این پیشنهاد معلوم میشود. پیشنهاد آقای بامداد (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم فقط برای یکسال مالیه تفاوتی را که نسبت بعایدات ۱۳۰۴ بلدیۀ اصفهان صورت میدهد بپردازد.

رئیس - بفرمائید

بامداد - البته این لایحه از روی همان اختلاف نظر بین مالیه و بلدیۀ تدوین شده است و خواسته اند همان مازادی را که بلدیۀ اصفهان ادعا میکند تأمین شود تفاوتی هم شاید زیاد ندارد این که بنده پیشنهاد کردم نظرم این بود همانطور که در کلیات مخالفت کردم و در ضمن مخالفت عرض کردم که عین همان گرفتاری که اصفهان دارد از حیث عایدات و اختلاف نظرش با مالیه شیراز هم عین همین گرفتاری را دارد پس اگر آقایان با این پیشنهاد موافقت بفرمایند سبب می شود که يك پایه برای تمام شهرها گذاشته میشود که آنها هم استفاده بکنند و روی همین مسئله میتوانند بمالیه بگویند که شما با بلدیۀ اصفهان اختلاف نظر داشتید بدلیل

اینکه عوایدش زیاد تر بود وزارت وقت هم با آنها توافق نظر حاصل کرد و مازاد را گرفت پس شیراز و کاشان و کرمان و مشهد هم اینطور است و این يك تفضلی میشود برای سایر نمایندگان شهرها تفاوت مبلغ هم ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود.

بعضی از نمایندگان - ثانیاً قرائت شود

(محدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقابیکه این پیشنهاد را قبل توجه میداند

قیام فرمایند

(عدۀ قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قبل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که مبلغ ده هزار تومان مجلس اضافه اعتبار از بودجه سابق بلدیۀ اصفهان جهت يك مرتبه به بلدیۀ اصفهان بدهد

فیروزآبادی - در اینجا مذاکرات زیاد شد و حالا

بنده خواستم حد وسط این کار را بگیرم نسبت با این مبلغ گزافی که نسبت بحال امروزه مازاد است و سی و شش هزار تومان است دستور هر جلسه هم که باید جلسه قبل معین بشود که نمیشود و یکمرتبه میآید اینجا و نمیدانم موضوع چیست حالانتهه باین ملاحظه پیشنهاد کردم نه آن مبلغ گراف باشد نه اینکه هیچ باشد ده هزار تومان بدهند که این ده هزار تومان هم اگر تحت نظر اشخاص صحیح بیاید و خرج شود خودش باندازه آن سی و شش هزار تومان کار خواهد کرد و امیدوارم ساری هم قبول کنند که همین ده هزار تومان داده شود جهت اصلاح بلدیۀ اصفهان اضافه از آن مبلغی که سابقاً داده میشد

رئیس - آقای دشتی

دشتی - یکی از مزایای آقای فیروزآبادی این است که

در پول رأی نمیدهند و در خرج هم مخالفند و بکفست

از مخارج مملکتی را زائد میدانند اما در عین حال باید این مسئله را اعتراف کنیم که یکی از بهترین مخارجی که در مملکت ما میشود چیزی که مردم می بینند و احساس میکنند و از آن استفاده میکنند همین مخارج بلدی است و الا تمام دولت جز اسباب زحمت چیزی نیست .

در قسمت بلدی ها هم که نوشته شده است سی و شش هزار تومان از روی حساب بوده البته این را حساب کرده اند و گفته نشده که حالا اول ده هزار تومان پیشنهاد کنند بعد بازده هزار تومان بعد نوزده هزار تومان و بالاخره يك تومان يك تومان بالا براند تا این مبلغ برسد مخارج را از روی يك قاعده ترتیب اساسی معین می کنند و قبلاً فکر و حساب کرده اند که بلدی اصفهان چقدر واقعاً خرج دارد و این چیزیکه معین شده يك چیزی نیست که از آن بشود کسر کرد یا کمتر پیشنهاد کرد . این لایحه را وکلای اصفهان و هیئت دولت مطالعه کرده اند و بالاخره اینطور قرار شده که این پول بلدی اصفهان داده شود این پول از روی فکر معین شده حالا که شما میگوئید این سی و شش هزار تومان بده هزار تومان تقلیل داده شود اینرا باید از روی حساب بفرمائید . گمان میکنم آقای فیروزآبادی درست حساب نفرموده اند

مخبر - برای مزید اطلاع آقای فیروز آبادی عرض میکنم که این پول باید بمصرف ساختن راه و تنویر و نظیف شهر و حفظ آثار و اینسبیه تاریخی اصفهان برسد يك شاهي از این پول صرف مخارج برسندي و مواجب اشخاص نمیشود .

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد . رأی گرفته میشود به اصل ماده از روی پیشنهاد آقای طاهری . بعد رأی گرفته

میشود به تبصره . آقایانیکه اینماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . تبصره قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

اگر مبالغ مذکوره فوق کافی برای پرداخت این مبالغ نباشد تفاوت از کل عایدات راه نادیه خواهد شد

رئیس - رأی میگیریم بتبصره آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . تمام شد .

آقا سید یعقوب - باورقه نباید رأی گرفت ؟

رئیس - بکمر تبه رأی گرفته شد دیگر نمیشود رأی گرفت چون تبصره رد شده اگر رد شده بود مجبور بودیم به

مجموعش باورقه رأی بگیریم . آقای دبیبا

دبیا - بنده عقیده ام این است که این يك لایحه مالی است و باید با ورقه رأی گرفته شود منتهی چون تجزیه شده بود باقیام و قعود رأی گرفتیم .

رئیس - بسته بنظر مجلس است . در هر حال در يك امری دو مرتبه رأی گرفته میشود ؟ اگر تناقضی پیدا شود چطور ؟ در هر صورت رأی گرفته میشود با ورقه . مخالفی ندارد ؟

جمعی از نمایندگان - خیر .

(در این موقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)

ورقه سفید (علامت قبول) ۴۸

ورقه کبود (علامت رد) دو

(اسامی موافقین)

آقایان : شیروانی - میرزا حسن آیت الله زاده - عمادی مدرس - میرزا سید مهدی معتمد - بهبهانی - بهار طباطبائی دبیا - تقه الاسلام بروجردی - موقر

دولت شاهی - زوار - دادگر - مرتضی قلیخان بیات جلالی - عصر انقلاب - جمشیدی - دکتر رفیع امین - اعتبار - حیدری - محمد آخوند - محمود رضا - میرزا عبدالله خان وثوق - اسعد - کلای - ارباب کبخسرو - بهراب خان ساکنیان - دشتی - یحیی خن زانگنه اعظمی - ابراهیمی - ثابت - ملک آرائی - اسکندر خان مقدم جهانشاهی - دیوان بیگی - آقا سید جواد محقق - ذوالقدر فرهمند - حاج میرزا حبیب الله امین - سید کاظم بزدی افخمی - نجومی - ابلخان - بنی سلیمان - فهیمی - نوبخت سلطان محمد خان عمری - حاج علی اکبر امین

اسامی مخالفین

آقایان : تقی زاده - آقا سید رضا فیروز آبادی

رئیس - عده حضار هفتاد و سه با چهل و هشت رأی تصویب شد . چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل شد)

رئیس - پیشنهادی راجع بدستور رسیده قرائت می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم لایحه کمیسیون بودجه راجع بقانون سنخیت در باره ایرانیان مقیم عراق عرب بعد از لایحه بلدی اصفهان اجزاء دستور شود

آقا سید یعقوب - هاشم آشتیانی از طرف نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده واحده قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مبلغ یکصد هزار قران از محل صرفه جوئی اعتبار سنه ۱۳۰۵ مخارج غیر مترقبه دولت اعتبار داده میشود که توسط دولت بمصرف مخارج احصائیه و توزیع تذکره و راهمائی بانابع ایران مقیمین نواحی عراق عرب بوسیله اعزام مأمورین مخصوص برساند

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این لایحه لایحه خوبی است که روز پنجشنبه دولت آن را تقدیم کمیسیون بودجه کرد و همه آن را بحسن قبول تلقی کردند . بنده در همانجا گفتم که يك اظهارنظر دارم که در مجلس باید بعرض آقایان نمایندگان برسانم . و در حقیقت این عرایض بنده قدری راجع است به تسامحی که دولت تا حالا در این موضوع کرده و يك قسمت هم راجع بشرح بدبختی هائی است که يك عده کثیری از هموطنان ما در يك مملکتی بان دچار و گرفتارند و بنده خودم بچشم دیده ام که آن بیچاره ها گرفتار چه بدبختی هائی هستند . برانینجا بحکم سوابق و بحکم مذهب و بحکم ارتباط نه و سنخیتی که بین آن قطعه و این قطعه موجود است همیشه از این جا آنجا میرفتند و می ماندند و مقیم میشدند هجرت میکردند و در آنجا عده شان زیاد شده . البته احصائیه دقیقی در دست نیست ولی تا چند سال پیش دویست سیصد هزار نفر ایرانی در آن جا بودند . از چند سال باین طرف بنده نمیدانم از روی چه مبنی و بجه نظر يك معاملات باین بدبختها میشود که با هیچیک از واردین و مقیمین آن خطه تا کنون این طور معامله نشده حتی بشاه حقوق قونسولی و حق کاپیتولاسیون حکومت عراق داده ولی در مورد ایرانی ها میخواهد این مسئله را مراعات نکند در صورتی که عده ایرانیها در آنجا خیلی زیاد هستند بنده در اینجا میخواهم يك قسمت هائی را عرض کنم ولی هیچ نمخواهم مطبوعات ما نهیج شوند و در این موضوع خیلی تند بروند و چنانچه آنها کردند معامله کنند یکی دو تا از زور نامه های ما شرح بدبختی هارا در روزنامه و مقالات خودشان نوشته اند . حالا که روزنامه العراق آمده است يك مقاله جواب آن مقاله روزنامه ما را نوشته که خیلی حیرت آور است عنوان مقاله روزنامه این است : فوا عجیباً حتی کلات تسبنا این شعر مال فرزدق است و اصل شعر این است :

هم در آن کمیسیون عضویت داشتم (شاید ایشان نظر مبارکشان باشد) که در حضورشان بنده از دولت التماس و استدعا کردم و گفتم شما يك كاری نکنید و مناسبات ما را با آنها معین کنید و بالاخره تکلیف يك مشت بدبخت را معین کنید. خیلی غریب است ایران ها را در آنجا از معاملات محروم کرده اند

مدرس - بیایند خانه شان

بامداد - کاری کرده اند که ایرانیها را از معامله محروم کرده اند بطوری که نه او معامله با کسی میتواند بکند و نه کسی با او معامله میکند. نه طرف بیع میتواند واقع شود نه طرف شری خوب از این بعهد ایران چیزی نخرد ولی کسی که حالا ملک و علاقه دارد و می خواهد بفروشد چرا نباید بتواند بفروشد. کسی که دکان و مستغلات دارد ناچار است بفروشد و بیاید باینجا. از این حق چرا باید ممنوع باشد. جلو فروش را هم گرفته اند. بنده تمام مشهودات خودم را که خیلی رقت انگیز است نمی خواهم عرض کنم. و از عرض بعضی مطالب امساک میکنم در واقع می خواستم يك موقعی پیدا شود تا بیغام آنها را بشما عرض کنم. و در این مجلس که مهمترین مراکز رسمی و داد خواهی ایران است این مسائل را بگویم و شرح حال آن بدبختها را عرض کنم تا ببینید آنها گرفتار چه بدبختی هایی هستند. آقا بمن وعده دادند. و کابینه وقت رفت. این کابینه روی کار آمد. خود آقای حاج خیر السلطنه که در آنوقت هم عضو کابینه بودند روی کار آمدند. ایشان هم اصرار های بنده را اصغاء فرمودند. و بنده بایشان هم اصرار کردم. بوزارت خارجه گفتم. همه جواب دادند چشم. بسیار خوب. ولی من نمیدانم چرا ماها اینطوریم که تا برف روی پشتبامان سنگین نشود بفکر بارو کردن نمی افتیم حالا که يك قدری در مضیقه افتاده ایم بفکر چاره افتاده ایم

فوا عجیباً حتی جربر یسینی. آن را مخصوصاً تحریف کرده برای این که حمله بکند بر روز نامه های ایرانی ما. بنده نمیخواهم مطبوعات خودمان را تهیج کنم که برضد آنها چیزی بنویسند زیرا مناسبات ما باید همیشه محفوظ باشد آنجا جایی است که ما در آنجا ثروت را کد و جاری داریم مشاهد متبر که مادر آنجا است. ولی تمام اعتراض بنده در این است حالا که این پیش آمد شد و اینهم عرض میکنم که ما نباید مطبوعاتمان را خیلی تهیج بکنیم برای این است که من در شیراز يك عکس و گراوری دیدم که خیلی چیزها بمن فهاند. يك روزنامه که شاید ماهی يك دفعه بیرون میآید يك عکس عباس اصفهانی را گراور کرده بود که در وادی السلام او را بدار زده بودند. این گراور خیلی چیزها بمن فهاند. زیرا این روزنامه يك روزنامه مهمی نبود که بگوئیم در آنجا نماینده دارد یا کرس بوندانس دارد. این است که بنده توصیه میکنم که باید در اظهار احساسات يك قدری جلوگیری بکنیم و ما يك قدری خوست ملایم تر بشویم و بگذاریم آنها هر چه میکنند

زوار - چرا ؟

بامداد - بنده نظر خودم را عرض میکنم. این پیش آمدها شده. این اتفاق هم افتاده. بنده وقتی که این مشاهدات را دیدم خیلی متأثر شدم. و خودم هم در آنجا مشرف بودم و حقیقتاً هر روز بر نائرم اضافه میشد و این جا که آمدم به آقای رئیس الوزراء عرض کردم این کتابچه بنده است و در آنوقت هم همراه من بود و تمام مسائل را که در آنجا دیده ام در این کتابچه یادداشت کرده و ات برداشته ام ولی حالا تمام مسائل را در مجلس عرض میکنم. مشهودات خودم و معاملات که با ایرانیها میکردند تمام را با آقای رئیس الوزراء وقت عرض کردم و مکرر هم عرض کردم. تا کید هم کردم و گفتم آقا يك كاری بکنید. خوب نظرم هست که حضرت آقای پیرنیا رئیس کمیسیون خارجه بودند و بنده

یعنی حالا که این قانون سخت منحوس را گذرانده اند نازه دولت ما بخیال افتاده و این لایحه را بمجلس آورده نابله بخیال خودشان فی الجمله بهبودی برای اتباع ایران و ایرانیهای بدبخت در عراق حاصل شود بنده بدولت پیشنهاد کردم که باید یکی از چند کار را کرد. تا وقتی که تکلیف مناسبات ما با آنها معین نشده و تا وقتی که آنها این نوع معامله با ایرانیها می کنند یعنی تا ما مبدتر از اتباع سوریه که يك دولت تحت الحمايه و تحت قیمومیتی است معامله می کنند دولت اجازه ندهد که دیگر از ایران کسی آنجا برود. و بواسطه يك مقدمه مستحب مرتکب هزاران عمل محرم بشوند. می خواهند زیارت بروند. مشهد بروند. قم بروند. دیگر اینکه حقیقتاً ایرانیها را دعوت کنند که به مملکت خودشان بیایند. چند روز قبل آقای شیروانی تذکر دادند که يك عده بواسطه پیش آمدهائی از عشایر قشقائی آنجا رفته در صورتیکه آنها همیشه میل دارند که بسر خانه و زندگی خودشان بیایند و در اینجا باشند. بیلاق و قشلاق کنند. خوبت همه این ها را دعوت کنند که به مملکت خودشان بیایند. يك عده زیادی از آشوربها در موصل هستند و با آنها انواع و اقسام خوبیدها را کرده اند وقتی آنها را داخل قشون هم کرده اند ولی هر وقت بانها تکلیف کرده اند که بیایند و تبعیت عراق را قبول کنید حاضر نشده اند گفته اند ما ایرانی هستیم و قبول نکرده اند. دولت آنچه را قبول نمیکند و گوش نمیدهد این جور چیزها است. بنده تصور میکنم که ما هیچ کاری نباید بکنیم و هیچ اقدامی هم لازم نیست اگر میکوبند با مذاکرات حل نمیشود دولت باید راه مالالتجاره را از بغداد برگرداند و راه را از محمره و دزفول قرار دهد و مالالتجاره را از این طریق بیاورد. خود همین کار خیلی تفاوت معامله است بجهت اینکه الان مبلغ خطیری ترازیت میگیرند. از آن گذشته يك منافع دیگری این اقدام برای ما خواهد داشت. برای حمل و نقل برای گمرک و سایر ترتیبات ما فائده خواهد داشت دیگر اینکه رفتن زوار را بخساک عراق غدغن کنند

اینها بقول خودشان هفتاد میلیون روپیه بودجه دارند سه مالیات میدهند یکی مالیات ترك که هنوز باقی مانده یکی مالیات اختلال که غرامت است و یکی هم مالیات حکومت عراق. حقیقتاً شانه شان در زیر این مالیات گزاف و بار سنگین خم شده و یکی از بهره ها و عواید زیاد آنها همین ترازیت است که از مالالتجاره ها میکوبند. و اگر بنا شود دولت راه را تغییر دهد و مالالتجاره را از محمره بیاورد و این ترازیت را ندهد خیلی برای ما فایده خواهد داشت یکی دیگر ثروت بی انتهائی است که مثل سبیل از ایران بطرف آنجا جاری است و باستی از آن جلوگیری شود فلان پیر زن بدبخت با هزار جان کندن مقداری پول نقد میکند بر میدارد می برد آنجا تقدیم آقا این میکنند و بر میگردد آنوقت اینطور هم از آن بدبخت پذیرائی می کنند هزار جا جلوش را میگیرند و اسباب زحمت برایش فراهم می کنند. خوب! حالا که او پولش را تقدیم میکند اقل از او خوب پذیرائی کنند. بعضی از مافورین و نمایندگان وظیفه شناس دولت که در بین النهرین هستند و حقیقتاً بنده از آنها خیلی متشکرم مثل نماینده کاظمین خیلی از این وضعیت متأثر بود و از ثروت خودش بعضی اوقات که ایرانی های بدبخت گرفتار میشدند و کیل میکرد و با آن بیچاره ها مساعدت و کمک میکنند. او به بنده گفت والتماس میکرد که آقا نگذارید زوار بیاید در صورتیکه بر خلاف منافعش بود. و نقل میکرد که يك وقتی که رفتن زوار بالحدود غدغن شده بود ماها خیلی محترم شده بودیم ما وقتی که در بازار بغداد راه میرفتیم همه همینطور کار هاشان را کد بود و هیچ کاری نداشتند مثل بازارهای خودمان. و وقتی که بما میرسیدند می گفتند هل من بشارة ؟ یعنی آیا بشارت داری آیا خبری شنیده اید که دو مرتبه زوار باین جا بیاید و این را اسباب خوشوقتی خودشان میدانستند. بهر حال بعد از اینکه هیچکدام از این تدابیر را دولت محترم

عمل نکرده و آن دولت گذشته هم عمل نکرده تازه آمده اند و این لایحه را آورده اند. و دوماه وقت بیشتر باقی نیست آنوقت هم تازه تا این قانون سیراداری بکند تا مأمورین بروند چه خواهد شد؟ این مأمورین میروند چه کنند؟ چطور این پول را باید خرج بکنند این ها برای درد مرهم نیست. بنده هیچ مخالف نیستم و هر قدم مخفی برای ایرانیهای مقیم آنجا برداشته شود خیلی خوب میدانم. ولی فرضاً موعد این قانون سنخیت هم که بگذرد ما که او را نه پذیرفته ایم. ما که اورا برسمیت نمی شناسیم. تمام اتباع ایرانی اتباع ایرانند و هر وقت بیایند این جا با آنها معامله تبعه ایران خواهیم کرد. بالاخره نه آنها راضی اند که غیر ایرانی باشند و نه ما آنها را بغیر از ایرانی بسمت دیگری میشناسیم. ولی خدا قدری هدایت کند این دولت های ما را تا از اول بفکر انجام وظیفه باشند و يك كاري بکنند که هموطنان ما در خارجه اینقدر گرفتار نباشند. شیروانی - در اینکه عجالتاً داخل مسائل سیاسی بین خودمان و امارت عراق باید بشویم یا نه و این موضوع را طرح کنیم در موقع طرح این لایحه بنده اساساً تردید دارم که آیا این مسئله صلاح است و مقتضی است که يك مسائلی را بگوئیم و عنوان کنیم یا نه؟ بدون اینکه در خارج هم يك مطالعه کاملی در اطراف قضیه شده باشد. اساساً تصمیم صحیحی در اطراف قضیه باید گرفته شود. البته همانطور که گفتند یکی از مسائل مهم در سیاست خارجی ما همین موضوع است باید يك روزی دولت های ما و همینطور مجلس شورای ملی يك تصمیم قطعی نسبت باین موضوع اتخاذ کنند مسائلی که فرمودند همینطور است و خیلی صحیح است و شاید آقایان دیگر هم که در آنجا بوده اند مثل آقای آیت الله زاده و سایرین این مسئله را بیشتر میدانند و اطلاع دارند. و این تازه کی ندارد. سابقاً هم والی هائی که درین النهرین بودند وضعیت چندان خوب نبود منتهی

حالا بدتر شده. رو بهمرفته دولت باید يك اقداماتی در خارج بکند و يك مسائلی هم هست که ما در اینجا باید حل کنیم و تصمیمی اتخاذ کنیم. مذاکراتی که میشود خیلی بموقع و بجای است و بموجب اطلاعاتی که بنده دارم الان دولت مشغول يك اقداماتی است و راه چاره هم همانهاست است که فرمودند. ما باید یکی از مجاری مهم عایدات عراق را قطع کنیم و آن تقریباً سالی بیست و يك ملیون حق تازیت است که بیشتر از ابران گرفته میشود. مجرای مهمتر از این همان ثروت ما است که همه روزه آن مملکت میبرد. و لو موقتاً هم شده ما باید این مجاری را قطع کنیم. و يك اقدامات اساسی تری برای آوردن کلیه اتباع ایران از آن جا بمملکت خودمان باید بجا آوریم. اعم از اینکه این پیش آمد ها از طرف همسایه ما نسبت بما بشود یا نشود. در هر حال ما باید يك فکری برای معاودت اتباع خودمان باین مملکت بکنیم. يك روزی باید این ها برگردند باین مملکت عربص و طویل. زیرا این مملکت با این جمعیت کم دیگر طاقت اداره کردن خودش را ندارد. همانطور که اشاره فرمودند یکی از دسته های مهاجرت را که بنده خودم مطالعه کرده اطلاع دارم بعرض میرسانم. سیرم علیا که یکی از نقاط حوزه انتخابیه بنده است موقتاً محل ثبلاقی ایل قشقائی است. طائفه دره شوری در آن حدود نشسته اند که بنده دوسه روزی در بین این طایفه مهمان بودم و مخصوصاً مذاکراتی در اطراف این قضیه با آنها شده در اواخر جنگ که در جنوب ایران يك جنگی واقع شد یکی از رؤسای طایفه دره شوری نصرالله نام خیانت کرد و به نفع اجانب با برادران خودش جنگیده و بالاخره مجبور شد که از مملکت خودش مهاجرت کرده و بکمد از افراد ایل قشقائی را در اطراف بصره برد و در آنحدود سکنا داد. در آنوقت شاید بیشتر از شصت در خانه از ایل قشقائی به بصره رفتند. ولی مطابق تحقیقاتی که بنده کرده ام چهار هزار در خانه الان از ایل قشقائی

که یکی از ایلات مؤلد ثروت ابران است در اطراف بصره و آنحوالی سکنی اختیار کرده اند. و باید يك اقدامی برای مراجعت آنها بعمل آورد این اقدام هم خیلی سهل و ساده است که اینسکه بنده با رؤساء و خوانین ایل قشقائی مذاکره کردم گفتند آنها خودشان میل دارند که بمركز بیایند فقط يك کاغذی باید از مرکز بدست ما داده شود ما خودمان حاضریم که این چهار هزار در خانه را بایران بیاوریم زیرا این ها عادت دارند که در بیلاق و قشلاق زندگانی کنند فقط میخواهند در ابران زندگانی آسوده و مرتع داشته باشند و دولت باید يك کمک نقدی برای معاودت آنها بکند. و این چهار هزار در خانه متجاوز از بیست هزار جمعیت دارد و همینطور از سایر طوئف جنوب و جنوب غربی بطوریکه همه میدانیم مقدار زیادی از ایرانیها به بغداد و سایر نقاط رفته اند و تمام اینها را باید برگردانند و حاضرند که برگردند. در اینجا گفته شد که يك عده از ایرانیها هستند که در آنجاها ملك و علاقه دارند تجارت دارند آنها نمی توانند بیایند اولاً لازم است عرض کنم که این عده در مقابل توده ایرانی که در آنجا اقامت دارند عده شان خیلی کم است و اکثر ملك و علاقه ندارند. قبلاً باید بآنها اطلاع داد و توده را متذکر کرد و آنها را بایران آورد و بعد برای آن اشخاصی که در آنجا علاقه دارند دولت باید يك فکری بکند و يك سیاستی بکار برد که آنها را به علاقه شان نجات دهد و راه این هم همین است که آقا فرمودند و ما باید مجرای عایدات را بروی آنها به بندیم و آنها را در مضیقه بگذاریم وقتی که این کار را کردیم مجبور خواهند شد که بهتر از این با ما معامله کنند و با برادران مسلمان خودشان بهتر رفتار کنند بنده از این رویه که امارت عراق پیش گرفته نمجبب نمیکنم اگر ما به توده عراقی مراجعه کنیم می بینیم که آنها با ما دوست اند. هم کیشند. و راضی باین ترتیبات نیستند اینها

يك سیاست هائی است که هم بحال عراق و هم بحال ابران مضر است و در آنها اعمال میشود و اگر برادران عراقی ما بکفندی تعقل کنند ملتفت قضیه خواهند شد. ما باید کاری کنیم که آن سیاست از شرق مخصوصاً از ابران و عراق مرتفع شود. عجالتاً دولت را باید تقدیس کرد که بفرمایش خود آقای بامداد این کاری را که دولتهای سابق نکرده بودند انجام داده و این اولین دولتی است که بفکر افتاده برای اتباع ایران در عراق يك تصمیم جدی اتخاذ کنند. بنده اطلاعاً عرض میکنم که در خارج هم دولت مشغول يك اقدامات اساسی و قوی تری است و همه روزه مشغول عمل است و البته اگر يك روزی لازم شد دولت نتیجه اقدامات خودش را به مجلس خواهد آورد عجالتاً مشغول مذاکرات و مکاتبات است و اقدامات میکنند و راجع بآن موضوعاتی که فرمودند چیزهائی در نظر گرفته شده. فقط این قسمت را چون محتاج به بودجه و پول بوده بمجلس آورده عجالتاً يك عده اتباع ایران در آنجا هستند که يك قران دو قران هم ندارند تذکره بگیرند و بتوانند ابرایت خودشان را ثابت کنند يك عده بیچاره دیگر هم هستند که ایرانیتهان مشکوک است. دولت می خواهد بوسیله يك مأمورینی يك پولی آنجا بفرستد و تذکره بچانی بآنها بدهند يك مأمورینی هم در نظر گرفته شده که برای دادن اطلاعات لازمه بآن بیچاره ها بعراق بروند و وسائل آوردن آن ها را بایران فراهم کنند. ولی در مجلس شورای ملی باید این نکته بدوایت تذکر داده شود که در انتخاب مأمورین باید دقت کامل بشود. بعقیده بنده مهم ترین رجال ما باید داو طلبانه برای انجام این کار بعراق بروند. و الا اگر بنا باشد اشخاص عادی بفرستند جز اینکه بروند آنجا و این پول را صرف خودشان بکنند و مواجب بگیرند کاری از پیش نمبرود. از علماء و رجال ما شاید يك اشخاص خوبی باشند که بعراق بروند علمای عراق هم در آنجا هستند و آنها هم دارای این درد هستند و